

«مخزن الاسرار نظامی گنجوی»



مؤلف: ناصر نیکوبخت

نوبت انتشار: اول

محل نشر: تهران

ناشر: چشمه

سال انتشار: ۱۳۸۶

تعداد صفحات: ۲۸۱

منتقدان:

دکتر محمد رضا ترکی

دکتر حسین فقیهی

معرفی اثر

فصل اول دارای مطالب مفیدی در مورد شرح احوال، آثار و افکار نظامی است. نویسنده در بخش‌های بعدی همه مثنوی مخزن الاسرار را با تصحیح از روی نسخه چاپی آورده و سپس بخش‌های منتخب آن را شرح کرده است.

امتیازات شکلی و محتوایی اثر

نثر کتاب پخته، علمی و متناسب با اسلوب منطقی در آموزش انتخاب شده و از لحاظ قواعد ویرایش و نگارش و رعایت سجاوندی مناسب و در طراز مطلوبی قرار دارد. حروف‌نگاری در مجموع خوب است. غلط‌های مطبعی اندک است و مواردی چون «خسمه» به جای «خمسه» در صفحه ۳۰ تقریباً استثنایی است.

کتاب اطلاعات لازم را از لحاظ سبک و شیوه نظامی و معرفی او و آثارش در اختیار دانشجو قرار می‌دهد. مطالب مفیدی در شرح احوال و آثار و سبک نظامی آورده شده است. شیوه نوشتن شرح و توضیح درباره اصطلاحات و ذکر آرایه‌های مهم و تلمیحات قرآنی و روایی با زبانی ساده و با اصول علمی منطبق است.

در استنادات و ارجاعات جز در موارد استثنایی که نویسنده به سبب اشتها موضوع از ذکر به مأخذ اشاره ای نکرده در بقیه موارد ارجاعات دقیق و علمی است. (مثلاً در صفحه ۴۷ که به مصراع مشهوری از مولویبدون ذکر مأخذ اشاره رفته است) در مواردی اگر به مأخذ نرسیده (مثل صفحه ۱۷۳) آن را اعلام کرده است.

اشکالات شکلی و محتوایی

طرح جلد به هیچ وجه شایسته اثر ارزشمندی چون این کتاب نیست.

- در ص ۳۹ سطر ۵۳ مؤلف محترم فرموده اند: ارتباط منطقی بین مصرع اول و دوم این بیت وجود ندارد و آن را معنی نکرده اند. به نظر معنی آن چنین است:
«أخذ نام جاودانه جبروتی اوست و آبد پایه تخت ملکوتی اوست».

- در ص ۴۱ سطر ۹ به عقیده اینجانب (اینت و آنت) در اینجا همان اسم اشاره دور و نزدیک است نه واژه تعجب. «آنت» به پیامبر اسلام و «اینت» به مسیح بر می‌گردد. (رجوع کنید به لغت نامه دهخدا ذیل کلمه اینت و آنت) بنابراین معنی مصرع دوم چنین است «نام پیامبر اسلام بشیر و نام عیسی مبشر است که به پیامبری محمد بشارت داده است» و کلمه (به نام) خود قرینه و مؤید این موضوع است.

- درص ۴۶ سطر ۹ به عقیده اینجانب «غله دان» به فتح غین به معنی انبار گندم و جو است، در قدیم در روستاها اتاقکی بدون در در فضای آزاد درست می کردند و سوراخی در پشت بام و دریچه ای در زیر آن به وجود می آوردند که اگر می خواستند گندمی برداشت کنند از دریچه زیرین می گرفتند، چون کسی داخل آن انبار نمی رفت تا آن را به طور کامل تخلیه کند، همیشه مقداری گندم برای سالهای طولانی در کف آن باقی می ماند که آن را نادیده می گرفتند و عدم فرض می کردند.

- درص ۴۷ سطر ۱۶ با توجه به قرینه قبل و بعد بیت معنی آن چنین به نظر می رسد: «برای نابودی این چند منافق در بند هوی و هوس کمر همت ببند و این چند ناقص الایمان را از بین ببر».

- درص ۴۸ سطر ۳۰ با توجه به اینکه شاعر در بیت پیشین گفته است: «سر نهم آنجا که بود پای تو» واژه «گرد» به کسر کاف تلفظ می شود، یعنی: «دامن تو بگیرم تا به آسمان بزرگی برسم، اگر تو مرا به این مقام نرسانی، خود چگونه به آن برسم؟»

- درص ۵۴ سطر ۱۹ «تیرانداختن» کنایه از بددلی و ترس است. یعنی: «تیر بددلی و ترس را از خود دور کن که به خود زیان می رسانی و شلاق بر طبع شاعرانه خودمزن که به پای (همچون اسب خود) می زنی.

- درص ۵۴ سطر ۱۷ آب، کنایه از گریه و آتش، کنایه از عشق معنوی و بادکنایه از آه و ناله و خاک، کنایه از جسم است. بنابراین معنی بیت چنین است: «چرا در مسیر عشق معنوی گریانی و چرا آه و ناله یدک کش جسم توست».

- در ص ۱۳۳ ذیل ای مدنی برق و مکی نقاب ... نوشته اند: ملبس به پوشش مردم مدینه و مکه ...

- داشتن پوشش مردم مکه و مدینه که در بین آنها کافر و منافق نیز وجود داشته فضیلت خاصی را فی نفسه برای رسول اکرم (ص) ثابت نمی کنند. پوشیدن برقع و نقاب در گذشته در میان بزرگان عرب رواج داشته و مقصود از مدنی و مکی نقاب به زبان ساده: «بزرگ مکه و مدینه» است. راقم این سطور مقاله مختصری در شرح این بیت دارد.

- در ص ۱۵۰ و ایضاً ۱۷۳ شارح محترم به روایاتی اشاره کرده و در حاشیه مرقوم فرموده اند:

۱۸۴ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

«مأخذی برای آن نیافتیم.» به نظر می‌رسد ضرورتی به استشهاد به چنین عبارتی با وجود فقدان سند وجود نداشته باشد.

- در ص ۱۵۴ ذیل: سیم کشانی که زر مرده اند - مؤلف محترم سیم کش را حریص، طالب مال و ثروت و کنایه از شاعران طماع معنی فرموده - اند. به نظر می‌رسد تعبیر «مبذر» اسرافکار که در فرهنگها در ذیل این واژه آمده در اینجا بهتر بنشیند و مناسب تر باشد.

- در ص ۱۶۱ ذیل: گشت زمین را سپر افکن بر آب شارح محترم اصطلاح «سپر افکن» را به معنی «تسلیم شدن» آورده اند که سخن درستی است، اما باید توجه داشت که تعبیری که نظامی آورده «سپر بر آب افکندن» است نه «سپر افکندن» سپر بر آب افکندن در فرهنگها آمده و با تعبیر یاد شده از لحاظ معنوی تفاوت دارد.

- در ص ۱۷۳ ذیل: مقبلی از کتم عدم ساز کرد ... شارح محترم «عدم» و «کتم عدم» را کنایه از لوح محفوظ دانسته اند. وجه این شرح بر بنده دانسته نیست. تا جایی که می‌دانیم لوح محفوظ مرتبه ای است که از مراتب وجود و معمولاً آن را با عالم جبر دست یکی می‌دانند.

- در ص ۱۷۶ سطر ۲۲ گویا چیزی از عبارت ساقط شده است.
- در ص ۱۷۷- ذیل: در غم تو این جو گندم نمای شارح محترم به ضرب المثل ... «گندم از گندم بروید جو ز جو» اشاره کرده‌اند گویا ضرب المثل «گندم نمای جو فروش» مناسب تر باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود در چاپ بعد موارد زیر مورد نظر قرار گیرد:
- عباراتی که به صورت روایات بی‌ماخذ آورده شده، حذف شود.
 - شرح برخی مطالب که بی‌نیاز از توضیح و تفسیر است، حذف شود.
 - درباره ابیاتی که احتیاج به توضیح بیشتری دارند شرح کاملتری داده شود.
 - مستندات در همه جای کتاب ذکر شود.